



رسانه و سینما

با یک کلیک استخاره کنید

چشم انداز آرامش



ادبیات و کتاب

بچه ها یعنی آینده

من سرباز بوم

۱۸

۱۹



گفت وگو با علی اصغر دارایی؛ مدیر گروه ادب و هنر شبکه چهار

ادبیات قدرت دارد

حسن محمودی



علی اصغر دارایی

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

در نشست خبری

■ یکی از انتظارات مهم از برنامه‌های شبکه چهار ایجاد فضایی برای گسترش فرهنگ کتابخوانی است.

باید دید از یک برنامه چه می‌خواهیم. مثلاً اگر بگوییم وضع کتاب اسفناک است، باید برای برون‌رفت از این مسئله راه‌حل پیدا کرد، باید دید رسانه‌چطور می‌تواند به کتاب و وضعیت آن کمک کند و چگونه می‌توان آن را به زندگی مخاطبان و مردم وارد کرد. اگر صرفاً برنامه بسازیم که در آن فقط بگوییم وضعیت کتاب بد است، دیپلواریم در می‌شویم. واقعاً لزومی ندارد که کتاب را بپاروریم در رسانه، ما باید فضایی ایجاد کنیم که مخاطب علاقه پیدا کند کتاب بخواند، ولو اینکه کتاب را در رسانه نشان ندهیم. در ژاین کتابخوانی خیلی رواج دارد و هر کس به این کشور می‌رود متوجه این مسئله می‌شود. در این کشور فرهنگ کتابخوانی به وجود آمده، یک حقیقت مستمری است که ایجاد شده. با شعار و تبلیغات نمی‌توان این احساس و حقیقت را به وجود آورد بنابراین باید تامل کرد که چطور می‌شود این فضا را ایجاد کرد.

دو برنامه مثال می‌زنم که از شبکه چهار پخش شده. در برنامه‌های الهی‌قمشه‌ای، حدود ۴۰ تا ۵۰ بیت از اشعار نظامی گنجوی در ۳ برنامه خوانده شد. شرح و

توصیفی که قمشه‌ای مطرح کردند به گونه‌ای بر مخاطب تأثیر گذاشت که نسخه‌های مختلف کتاب‌های نظامی گنجوی مورد توجه قرار گرفت و به چاپ‌های متعدد رسید. شیوه بیان خیلی مهم است. این اتفاق در زمانی افتاد که نظامی‌به‌عنوان یک شاعر معروف داشت از حافظه مردم ما خارج می‌شد. برنامه آن‌چنان از تحقیق و پشتوانه علمی برخوردار نبود، اما تأثیر زیادی داشت. در مقابل در برنامه دیگری با اجرای علی معلم دامغانی، وقت زیادی صرف شد، مطالبی گفته شد که محصول غوطه خوردن در زبان و فرهنگ اشعار خاقانی بود، اما تأثیری مشابه برنامه قمشه‌ای در ارتباط با استقبال از خاقانی صورت نگرفت.

■ پس قبول دارید که نوع برنامه‌سازی، انتخاب کارشناس و مجری تأثیر عمده‌ای دارد؟

مسلماً. در واقع باید به جای شعار و تبلیغات، فضای دلنشین ایجاد کنیم تا مخاطب جذب کتاب خوانی شود. ■ **انتقاد به نوع برنامه‌های معرفی کتاب شما از همین زاویه است.** نوع معرفی کتاب در اغلب برنامه‌های شبکه چهار در فضایی عاری از خلاقیت و صمیمیت صورت می‌گیرد. چرا شبکه‌ای مانند شبکه چهار که ادعای فرهیختگی و ترویج فضایی نخبه‌پرور را دارد، در برنامه‌های خاص کتابش دارای مجری موثری نیست که با دست گذاشتن روی کتابی که البته استعدادش را هم داشته باشد بر مخاطب آن بیفزاید؟ اغلب برنامه‌هایی که در شبکه‌های مختلف درباره کتاب ساخته شده از لحنی سرد و بی‌رقم برخوردار هستند که نسبت به یک کتاب هیجان ایجاد نمی‌کنند. در حالی که نمونه‌های موفق در این زمینه در برنامه‌های مشابه وجود دارد. آیا برنامه‌ای یک روز شاهد تولید برنامه موثری در حوزه کتاب در شبکه چهار خواهیم بود؟ برنامه کتاب باید از مجری و کارشناسی برخوردار باشد که صاحب اعتبار و امضا برای مخاطب باشد. در برنامه‌های مربوط به تئاتر یا سینما شاهد اطلاع‌رسانی، پخش و تحلیل درباره تازترین اجرای روی صحنه و فیلم‌های سینمای جهان هستیم، اما درباره ادبیات و کتاب این اتفاق کمتر می‌افتد.

داریم به صورت مجله‌ای که درباره کتاب اطلاع‌رسانی می‌کنند. این برنامه کتاب تازه منتشر شده را معرفی و درباره آن اطلاع‌رسانی می‌کنند. در برنامه مجله‌ای در هفته تنها نیم ساعت مجال هست. در این نیم ساعت نمی‌توان درباره کتاب برنامه‌سازی کرد. برای سخن گفتن از یک کتاب باید برنامه‌سازی کرد و به سمت مستندسازی رفت. در برنامه‌ای قصد داریم درباره برخی از کتاب‌های مهم ایران و جهان مستندسازی کنیم که در این مستندسازی، درباره

کتاب‌های مهم ادبیات جهان از برخی از فیلم‌های تولید شده در ارتباط با آن کتاب‌ها نیز بهره گرفتیم. قبلاً به این شکل بود که برنامه‌ها به صورت گفت‌وگو ساخته می‌شد که در برنامه‌های شبکه چهار هیچ حضوری نداشته‌اند و داریم به جای گفت‌وگو کردن، از شکل مستندسازی استفاده کنیم. سطوح مختلفی از متفکران، نویسندگان و هنر‌های مختلف را در نظر گرفته‌ایم که درباره آنها مستندسازی کرده و در این برنامه‌ها جذابیت ایجاد کنیم. ■ **از اتفاق برنامه‌هایی که به صورت مستند درباره برخی از چهره‌های ادبی، فرهنگی و هنری ساخته شده، مخاطب بیشتری را جذب کرده، نمونه‌های خارجی موثری نیز از شبکه چهار پخش شد.** آیا تصمیم ندارید بنا بر همان الگو، مستندسازی کنید؟

همین مسئله موفقیت در جذب مخاطب باعث شده که شبکه چهار به سمت برنامه مستندسازی برود. در تعهد شبکه چهار، سریال‌سازی پیش‌بینی نشده است اما به جهت استقبال مخاطب، تصمیم گرفتیم به سمت مستندسازی سریالی برویم. مدیران نیز به این نتیجه رسیدند اگر قرار است مثلاً درباره شخصیت‌هایی مانند ابن سینا یا ملاصدرا سریالی ساخته شود در شبکه چهار این اتفاق بیفتد. یکی از برنامه‌هایی که به طور جدی در شبکه چهار دنبال می‌شود، ساخت برنامه درباره خواجه نصیرالدین طوسی است. این کارها در سطوح مختلف مستند، مستند داستانی و نمایشی قرار است انجام شود. در این قلمروها شبکه مامور شده طرح بدهد و دنبال ساخت و تهیه آن باشد. با مقدماتی باید سراغ ساخت این برنامه‌ها برویم تا مخاطبان رده‌های مختلف داشته باشند. تنها با یک نشر خاص سروکار نداشته باشد.

■ **شکل داستانی نیز پیدا می‌کند؟**

بله. مانند برنامه‌های مستند خارجی که مثلاً درباره میکال آئو پخش کردیم، بنا داریم به گونه‌ای جذاب و دلنشین برای مخاطب باشد. خیلی از شخصیت‌های مهم و ماندگار ما زندگی جذاب و جالبی دارند. شخصیتی مانند پروفسور حسایی زندگی‌اش آتقدر جذاب است که در یک برنامه‌سازی موفق می‌تواند مخاطب زیادی را جذب کند و به آن علاقه‌مند شود. مخاطب از نظم موجود در زندگی پروفسور حسایی درمی‌یابد که چگونه آدمی موفق بوده است. در گذشته چندان از این زاویه نگاه نکرده‌ایم و برنامه‌های جذابی از این نوع نداشته‌ایم. این کاری است که به صورت تدریجی پیش می‌رود. مخاطب برخی اوقات حساسیت‌هایی پیدا کرده که امکان دارد، مثلاً حوصله تماشا‌شی برنامه‌های تئاتر را نداشته باشد و نتواند با المان‌های آن ارتباط برقرار کند. این ارتباط به صورت تدریجی امکان‌پذیر است.

■ **بخش عمده‌ای از مخاطبان بالقوه شبکه چهار در**

خلاصه گفت وگو

۱- اگر بگوییم وضع کتاب اسفناک است، باید برای برون‌رفت از این مسئله راه حل پیدا کرد، باید دید رسانه چطور می‌تواند به کتاب و وضعیت آن کمک کند و چگونه می‌توان آن را به زندگی مخاطبان و مردم وارد کرد. ۲- بحث در این است که اصلاً چرا ما باید مخاطب را درگیر بکنیم. ادبیات چه کار می‌کند؟ چه نیازی به ادبیات است؟ ۳- الان داستان کوتاه، رونقی پیدا کرده که نتیجه پروسه‌ای طی شده است، ولی ما هنوز با این مقوله ارتباط وسیع پیدا نکرده‌ایم. ۴- کوتاهی‌ها و بدسلیقگی‌هایی برخی وقت‌ها صورت گرفته. غفلتی بوده که انجام شده و ما الآن می‌دانیم که چرا برخی از این بزرگان آزرده‌خاطر هستند. اینها واقعاً خطاهای کوچکی بوده که اتفاق افتاده و ممکن است در هر جای دیگری نیز صورت بگیرد.

تاریخ مشروطه

۲۲

از همبستگی ملی تا کشمکش‌های درونی



حکمت و اندیشه

۲۰

انتخاب زیدان

۲۱

انقلاب فرگه

نگاه اول

از راه شب رادیویی تا راه شب تلویزیونی

عباس نعمتی



سریال راه شب به کارگردانی داریوش فرهنگ و نویسندگی جابرب قاسمیعی به نیمه راه رسیده است. داستان حول برنامه راه شب می‌گردد و هر بار داستان‌با این برنامه رادیویی گره می‌خورد. نفس‌اینکه تلویزیون نصفانه به تشویق رسانه‌های دیگر مانند رادیو یا مطبوعات برپزدازد، امری مطلوب است. ما بیش از حد تلویزیون‌زده شده‌ایم، فقط کافی است در ذهن مروری بکنیم تا ببینیم تلویزیون به جای دید و بازدید عید و شب‌های رمضان نشسته است. حتی ارتباطات شغاهی را هم کم کرده است. اصرار تلویزیون به جذب مشتری بیشتر، معلوم نیست نتایج خوبی هم در درازمدت داشته باشد. کارکرد اجتماعی تلویزیون در درازمدت زیان‌بارتر از رادیو یا مطبوعات است. یکی از دوستان بنده که سال‌ها است در پاریس زندگی می‌کند می‌گفت در فرانسه تلویزیون نگاه کردن میان اساتید دانشگاه و نخبگان نوعی سطحی‌نگری و عوام‌گرایی به حساب می‌آید و تلویزیون به عنوان وسیله‌ای برای تلذذخواهی و سرگرمی تعریف شده است. در جامعه ما نیز وزن تلویزیون به نفع رسانه‌های دیگر از جمله رادیو و مطبوعات و خطابه‌کاش می‌یابد. عکس وضعیتی که اکنون حکمفرماست و مطبوعات و رادیو به نفع تلویزیون کنار رفته‌اند و یا رادیو که مشخصاً از سید خانوار حذف شده است.

این صبح است که رادیو با به پای تلویزیون پیش نیامده و ما هویت رادیویی نداریم و رادیو در کشور ما مرعوب تلویزیون است، اما مسئولان ما هم رویکرده صحیحی به رادیو نداشته‌اند. در آمریکا هنوز بر مبنای سنت بحث‌های کنار آتش روزولت، رئیس‌جمهور نظم فنگتی رادیویی دارد. آیا تا به حال شده نطق یکی از مسئولین ابتدا در رادیو خوانده شود و سپس به صورت آرشیری از تلویزیون پخش شود؟ با توجه به این مقدمه رویکرد مجموعه راه شب به رادیو فارغ از نتیجه‌اش تلاشی مقدس است. آینده رسانه‌به چندرسانه‌ای منتهی می‌شود و این بده‌بستان‌ها امر مطلوبی است. اما این رویکرده صحیح به دلیل شناخت ناقص از ویژگی‌های رسانه رادیو به یک پارادوکس تبدیل شده است. اصلی‌ترین ویژگی رادیو «عدم تصویری بودن» است. نبود تصویر به رادیو نه نقطه ضعف که نقطه قوت به حساب می‌آید. نبودتصویر به رادیو خاصیت رازآلودگی و ابهام‌آمیزی می‌دهد و مخاطب با تخیل گسترده‌اش با برنامه مطابق سلیقه و پس‌زمینه فرهنگی و اجتماعی خود تصویر می‌سازد و با آن زندگی می‌کند و دقیقاً پاشنه آشیل راه شب در این است که ما مجری برنامه رادیو را می‌بینیم و دقیقاً در این مجموعه هر وقت مجری برنامه می‌آید، برنامه از اوج می‌افتد. نسلی که خاطره راه شب را دارد، نیمی از لذتش را مدیون ندیدن مجری بوده و ما این ذهنیت را خراب کرده‌ایم و به عصمت ذهنی فرد تجاوز کرده‌ایم. با این کار جلوی تخیل بیننده را گرفته‌ایم و تشخص رادیو را که به ابهام‌آمیز بودنش است، زیر سوال برده‌ایم و از رازآلودگی رادیو افسون‌زدایی کرده‌ایم. به قول گامبن «جلوی صحنه» رادیو همین ندیدن است و پشت صحنه آن پژمان مجری راه شب است که چه‌پوشا را به صدای گرم‌اش نمی‌آید و این نشان دادن پشت صحنه ایجاد تعارض می‌کند. راه راه شب رادیو محور قرار گرفته، اما بزرگترین ویژگی‌اش فراموش شده است. به همین دلیل رادیو از محور داستان به بهانه روایت داستان تقلیل یافته است. حتی اگر داستان در نسبت به رادیو تعریف نمی‌شد، لطمه‌ای به طرح و پیرنگ داستان نمی‌خورد. یعنی داستان‌ها در عدم حضور رادیو هم قوام داشت و می‌شد موضوع دیگری نخ تسبیح پیوستن این اپیزودها به هم باشد. اما در حالت ایدئال بهانه روایت باید تأثیر مستقیم در طراحی قصه‌ها داشته باشد، مثلاً در داستان‌های شرلوک هولمز اگر رخ تسبیح داستان‌ها را کارآگاه – حذف شود، هیچ قصه‌ای شکل نمی‌گیرد. در حالی که اینجا قصه‌ها شکل گرفته‌اند و پیش می‌روند و فقط در نسبت با راه شب گره‌گشایی صورت می‌گیرد. همین ویژگی که راه شب در پیرنگ نقش محوری ندارد، باعث شده وقتی قهرمان‌ها به برنامه رنگ می‌زنند، بحث‌های شعاری آغاز شود و کاراکترها مکثونات و انگیزه‌های درونی خود را به ساده‌ترین وجهی برملا سازند. با این اوصاف نمی‌توان از ایده‌ها و طرح‌ها و موضوعات متفاوت و جذاب راه شب و تفاوت عبور کرد. ایده‌ها و طرح‌هایی که از آنها بوی تازگی و نوایی به مشام می‌رسد، بالاخص اینکه مخاطب با این سوره‌ها احساس نزدیکی می‌کند و برای آنها در ذهن ما به ازای بیرونی می‌یابد. تلقین این دو مولفه به همراه کارگردانی خوش آب و رنگ فرهنگ توانسته به جذب مخاطب کمک کند. اما انتخاب نامناسب بازیگران و ناهمخوانی آنها به نقش‌ها و دقت نکردن در جزئیات در فیلمنامه توانسته آن را به سطح آرمانی برساند. بالاخص انتظار مخاطب از فرهنگ به عنوان یک ملودرام‌ساز خانوادگی با این مجموعه به چالش کشیده می‌شود. در اینجا ما با چهره دیگری از فرهنگ آشنا می‌شویم. فرهنگ با دغدغه‌های کاملاً اجتماعی. اما چه باید کرد. در فیلم‌های اجتماعی تملخی‌ها و کجی‌هایی هست که حتی وقتی می‌خواهیم آنها را امیدوارانه هم ببینیم با کارگردانی خوش آب و رنگ فرهنگ نمی‌خواند. با همه اینها راه شب، به نظر من، بهترین کار فرهنگ است، چون توانسته از خودش عبور کند و فارغ از نتیجه این جسارت‌ها ستودنی است.

بخش اول